

زبان فارسی پاسدار مرزهای ایران

در میزگرد روزنامه «جام جم» با کارشناسان زبان فارسی نسبت به تلاش دشمنان ایران برای فروپاشی وحدت ملی در سایه تضعیف زبان فارسی هشدار داده شد



آرش شفاعی گروه فرهنگ و هنر

در نخستین بخش از میزگرد «دیروز، امروز و فردای زبان فارسی» درباره ویژگی‌ها و تاریخچه زبان فارسی در طول تاریخ بحث شد. کارشناسان با بیان آنچه باعث قوام یافتن و تبدیل این زبان به

یک زبان میانجی فراگویشی در

بخش بزرگی از جهان دیروز شد

و با یادآوری این گذشته، برخی راهکارها را جهت

باززیابی آن دوران شکوهمند برای زبان

فارسی بیان کردند. در این بخش از میزگرد،

با اشاره به برخی شبهاتی که عمدتاً

خاستگاه‌های سیاسی و ضد ملی دارند، درباره

اهمیت زبان فارسی به‌عنوان یک عنصر

هویتی و ملت‌ساز در

میان ایرانیان محبت

شده است.

کارشناسان با اشاره به

اصل ۱۵ قانون اساسی درباره

برخی تحکرات ضدایرانی به بهانه‌هایی

چون آموزش زبان مادری یا

شبیه‌افکنی‌های تاریخی برای قطع

ارتباط مردم ایران با زبان ملی خود به

بحث پرداخته‌اند. محمدجعفر

محمدزاده کارشناس ارشد فرهنگ،

زبان و رسانه، وچید عیدگاه طرقيهای

شاعر و پژوهشگر ادبیات فارسی و

رادمان رسولی مهربانی پژوهشگر و مدرس

ادبیات فارسی در این میزگرد که بخش دوم و پایانی آن را می‌خوانید حضور داشته‌اند.



تبدیل شدن زبان به یک مسئله جهانی را در سطح جهان می‌بینیم. برای مثال، کشورهایی مانند چین و کره جنوبی سرمایه‌گذاری‌های چشمگیری برای ترویج زبان‌های خود انجام داده‌اند. این سرمایه‌گذاری‌ها شامل تأسیس مؤسسات زبانی متعدد و حمایت از ترجمه و انتشار آثار ادبی به زبان‌های مختلف است. حتی ترکیه با اجرای طرح‌هایی مثل نهضت ترجمه دولتی موفق شده آثار نویسندگان خود را در سطح جهانی معرفی کند و همزمان اعتبار فرهنگی خود را ارتقا دهد و حتی جایزه نوبل به دست بیاورد. این در حالی است که مانیز اقداماتی مانند تأسیس بنیاد سعدی، کارهای فرهنگستان زبان و ادب فارسی یا طرح گزنت داشته‌ایم اما خروجی این فعالیت‌ها متناسب با نیازها و اهداف جهانی نبوده است. دلیل این عدم توفیق چه بوده است؟ **رسولی مهربانی:** این‌که بدانیم عقب افتاده‌ایم خودش یک گام مهم است. رقابت با زبان انگلیسی هدف‌گذاری منطبق باواقعیت نیست، بلکه باید نگاه منطقه‌ای داشت. از نگاه حاکمیت اگر بخواهیم به زبان فارسی نگاه کنیم، می‌بینیم برخی سردمداران در برخی مواقع دغدغه زبان فارسی داشته‌اند اما وقتی به پای کار می‌رسیم، اولویت چندم بوده است واولویت‌های امنیتی، اقتصادی و برخی مسائل دیگر معمولاً بر اهمیت زبان فارسی غلبه کرده‌اند که به دلیل فقدان درکی عمیق از اهمیت فرهنگی زبان بوده است. از نظر کسانی که دغدغه زبان دارند، یکی از کارهای مهمی که باید انجام شود این است که طبق فهم گروه‌های مختلف اجتماع، گفته شود چرا زبان فارسی مهم است. برای مثال از نظر گروه‌های مذهبی گاهی تصور می‌شود زبان عربی اولویت بیشتری دارد اما می‌توان به آنها توضیح داد که زبان فارسی چرا اهمیت دارد. گروه‌های تکنوکرات یا فعالان فناوری معمولاً زبان انگلیسی را برتر می‌دانند؛ برای آنها نیز می‌توان استدلال کرد که زبان فارسی چه مزایایی دارد و چرا باید توجه بیشتری به آن شود. البته این دلایل هست و گاه گفته می‌شود اما گویا در سطح عمومی طرفداری پیدا نکرده است.

یک رویکرد می‌تواند این باشد که چون خیلی از ما چشم‌مان به

دیگران است، توضیح دهیم دیگران برای زبان چه کرده‌اند. برای

مثال، ترکیه سازمان کشورهای ترک‌زبان را تشکیل داده و حتی کتاب‌های مشترک آموزشی برای مدارس این کشورها تعریف کرده است. علاوه بر این، ترکیه با اعطای بورسیه به کشورهای قریقیزستان و قزاقستان در حال گسترش نفوذ زبانی خود است. همچنین سازمان کشورهای پرتغالی‌زبان یا فرانکوفونی فرانسوی سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در حوزه ترویج زبان‌های خود انجام می‌دهند. همه کشورهای دور و بر مادر حال سرمایه‌گذاری جدی برای زبان خود هستند، کشورهای عربی مانند امارات و قطر نیز اخیراً با سرمایه‌گذاری جدی در زمینه زبان عربی تلاش کرده‌اند تا این زبان را تقویت کنند؛ از نمادسازی در رویدادهایی چون افتتاحیه جام ملت‌ها گرفته تا تخصیص منابع مالی برای گسترش زبان عربی. این کشورها جوازز هنگفتی برای دانش‌آموزانی که که به زبان عربی تحصیل کنند تعیین کرده و سرمایه‌گذاری‌های چشمگیری انجام داده‌اند تا مطالعه و ترویج این زبان را پررنگ‌تر کند. به طور مشابه، رژیم اسرائیل برای آموزش زبان عبری سرمایه‌گذاری سنگینی کرده است.

حال اگر نگاهی به وضعیت خود بیندازیم، درمی‌یابیم که ما به‌عنوان کشوری با پیشینه فرهنگی غنی، در زمینه زبان فارسی نه تنها فقیر نیستیم، بلکه ظرفیت‌های بسیاری داریم که به دلیل اولویت ندادن به آن، از این فرصت‌ها به‌درستی استفاده نکرده‌ایم.

اگر این روند ادامه یابد، نه تنها در رقابت با انگلیسی، بلکه در منطقه نیز ممکن است از زبان‌هایی چون ترکی، عربی یا عبری عقب بمانیم و چه‌بسا در برخی زمینه‌ها عقب مانده‌ایم. تقویت حس ملی هم در این زمینه مهم است چرا که باید به زبان به‌عنوان وطن نگاه کرد. گفته می‌شود وطن ایرانی‌ها زبان فارسی

است. شاید این حرف کمی شاعرانه به

نظر برسد اما می‌توان با دلایلی این موضوع را اثبات کرد. برای مثال، ایرانیان مهاجر وقتی در خارج از کشور زندگی می‌کنند، ارتباط عاطفی‌شان با زبان فارسی همچنان حفظ می‌شود. حتی نتایج پژوهش‌ها نشان داده که مهاجران ایرانی قادر نیستند احساسات عمیق و عاطفی خود را به زبان‌های دیگر مانند آلمانی یا انگلیسی بیان کنند. به همین علت، این مهاجران ناچارند برای انتقال احساسات‌شان به زبان فارسی بازگردند. این امر باعث می‌شود که زبان فارسی به‌صورت طبیعی به نسل‌های بعدی منتقل شود.

از سوی دیگر، تقویت زبان فارسی رویکردی ملی است. زبان نه فقط وسیله ارتباط، بلکه محلی برای بازتاب هویت و اصالت ماست. ما می‌توانیم بودن مان را در زبان فارسی بیابیم و آن را تقویت کنیم. بر همین اساس، پیشنهاد می‌شود که دولت نگاه بین‌المللی خودش نسبت به زبان فارسی را بازبینی کند. یکی از راهکارها، ایجاد یک سازمان کشورهای فارسی‌زبان است؛ همان‌طور که بسیاری از کشورهای اطراف ما چنین اقدامات مشترکی را پیگیری می‌کنند. در ایران، حتی از دوره ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد قانونی مبنی بر این موضوع در مجلس تصویب شد اما متأسفانه هیچ‌گاه به مرحله اجرا نرسید. در قانون اساسی نیز قوانین و سازوکارهایی برای تقویت زبان فارسی مطرح شده، ولی در عمل همیشه مسائل دیگری اولویت یافته است.

این سازمان طبیعتاً باید از همکاری ایران، تاجیکستان و افغانستان تشکیل شود اما امروز در افغانستان گروهی بر سر کار است که رویکرد قوم‌گرایانه پشتونی دارد و با زبان فارسی اساساً



دشمن است. در این صورت چطور می‌شود چنین سازمانی را ایجادکرد؟

رسولی مهربانی: بله ولی در موارد دیگری اتفاقات مثبتی افتاده است. در گذشته صحبت کردن به زبان فارسی در برخی کشورها مانند ازبکستان به‌شدت محدود و گاهی امنیتی بود اما امروزه با تغییراتی که در حکومت ازبکستان رخ داده و با کاهش حساسیت‌ها، زبان فارسی جایگاه مطمئن‌تری پیدا کرده است. گفته می‌شود حدود ۳۰ درصد مردم ازبکستان (طبق آمارهای غیررسمی) فارسی‌زبان هستند و شهرهایی مانند سمرقند و بخارا تاریخی غنی در این زمینه دارند. علاوه بر این، اقلیت‌های فارسی‌زبان در کشورهای دیگری نیز حضور دارند. شاید زمان آن رسیده باشد که ایران برای تقویت موقعیت زبان فارسی در منطقه و فراتر از آن، گام‌های عملی جدی‌تری بردارد. فارسی‌زبانان در نقاط مختلف جهان پراکنده‌اند و تأثیر این زبان در فرهنگ، تاریخ و آموزش کشورهای گوناگون آشکار است. برای مثال، در قرقیزستان فارسی‌زبانان تشکلی به نام رودکی دارند و در کشورهایی مانند قزاقستان نیز شهرهایی هستند که در آنها اقلیت‌های فارسی‌زبان زندگی می‌کنند. همچنین در چین، عمان، پاکستان و حتی هند نیز ردپایی از این زبان دیده می‌شود. به‌طور خاص، هند زبان فارسی را به‌عنوان یکی از ۱۰ زبان کلاسیک خود در چهارچوب سند آموزشی خود معرفی کرده است و مدارس آن کشور اجازه آموزش این زبان را دارند. فرهنگستان هم کارهایی کرد و کتاب‌هایی تدوین شد اما مشکلات اداری و بروکراسی باز هم مانع کار شد. یک مسئله این بود که هزینه حمل و نقل آنها از ایران به هند را نداشتند و پیشنهاد شده بود

که به‌جای استفاده از کتاب‌های چاپی که چالش برانگیز است، نرم‌افزارها یا برنامه‌های آموزشی اختصاصی برای آموزش زبان فارسی طراحی شوند. با توجه به تعداد زیاد مراکز آکادمیک آموزش زبان فارسی در هند، که حتی از کل اروپا هم بیشتر است، ایجاد چنین برنامه‌هایی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. هند علاقه‌مندان زیادی به یادگیری زبان فارسی دارد؛ از اساتید و دانشجویان گرفته تا دانش‌آموزان مدارس، همه مشتاقند با این زبان آشنایی بیشتری پیدا کنند. زبان فارسی همچنان جایگاه تاریخی خود را در این کشورها حفظ کرده است. این موضوع حتی در بحران‌های مهاجرتی آشکار شد، مثلاً در زمانی که مسلمانان روهتگیای میانمار به بنگلادش پناه بردند، مشخص شد که بسیاری از آنها، حتی مسلمانان بنگلادش و میانمار، از زبان فارسی به‌عنوان بخشی از آموزش دینی خود استفاده می‌کردند. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که بستر قدرتمندی برای تقویت زبان فارسی وجود دارد که با برنامه‌ریزی مناسب می‌توان آن را گسترش داد و احیا کرد. به‌نظر می‌رسد در بسیاری از کشورها، برنامه‌ریزی بلندمدت جامع برای توسعه و ترویج زبان ملی وجود ندارد. به‌طور مشخص، در ایران نیز برنامه‌های بلندمدت ۳۰ ساله برای آینده زبان فارسی تعریف نشده است. هنوز ارزیابی دقیقی از جایگاه فعلی زبان فارسی در کشور نداریم؛ این‌که آیا زبان فارسی جایگاه یک زبان علمی را دارد یا نه، یا میزان استفاده از آن در میان گروه‌های مختلف اجتماعی چقدر است. برای مقایسه، در ایالت فرانسوی زبان کانادا، مانند مونترال، هر پنج سال یک بار ارزیابی‌هایی دقیق انجام می‌شود تا میزان استفاده از زبان فرانسوی در گروه‌های مختلف مشخص شود اما در ایران چنین پژوهش‌هایی درباره قدرت و جایگاه زبان فارسی، حتی در درون کشور، وجود ندارد. در خارج از ایران هم وضعیت بسیار مبهم‌تر است و اطلاعاتی نداریم که نشان دهد زبان فارسی در جوامع خارجی چه جایگاهی دارد یا تأثیر تاریخ این زبان در این کشورها چگونه بوده است.

ما به یک ارزیابی علمی، دقیق و واقع‌بینانه از وضعیت کنونی زبان فارسی نیاز داریم، همراه با طراحی برنامه‌ای بلندمدت که از سوی دولت حمایت شود. همچنین باید باورهای مثبت نسبت به زبان فارسی تقویت شود و مقابل دیدگاه‌ها یا گزاره‌هایی که این زبان را تضعیف می‌کند، ایستادگی صورت بگیرد.

عیدگاه طرقيهای: البته ما داریم به کسانی پیشنهاد می‌دهیم که از ما پیشنهاد نخواسته‌اند!

محمدزاده: امروز یکی از مشکلات اساسی، عدم توضیح کافی درباره اهمیت زبان فارسی است. نیاز داریم دلیل اهمیت این زبان را در سطوح مختلف جامعه تبیین کنیم؛ از سطح روشنفکران گرفته تا لایه‌های عمیق‌تر اجتماع. بسیاری از سؤالات مانند چرا باید حساسیت به خرج داد؟، چرا این واژه‌ها را باید به کار برد؟، چرا زبان‌های مادری جایگزین زبان ملی نیستند؟ و

پرسش‌های مشابه نیازمند پاسخ‌های قانع‌کننده است. این امر به تلاش جمعی گسترده‌ای نیاز دارد تا همراهی همه تحقق یابد.

درواقع، اگر چرایی اهمیت زبان فارسی جا بیفتد، بسیاری از مسائل دیگر نیز به‌تبع آن حل خواهد شد. همان‌طور که گفته‌اند:

«آب کم جو، تشنگی آور به دست / تا جوشد آب از بالا و پست.» دو مسئله مهم برای کشوری مانند ایران با آن طول و عرض تاریخی وجود دارد که بود و نبود کشور به این دو مسئله گره خورده است، یکی هویت است و دیگری ملیت. هویت همانا کیستی و چیستی ماست. اگر روزی ندانیم که چه بودیم و چه هستیم، در خلأ دچار سردرگمی عمیقی خواهیم شد اما این هویت را کجا می‌توان یافت؟ آیا جز از طریق زبان، هم زبان گذشته و هم زبان امروز، می‌توان ردپای هویت خود را دنبال کرد؟ درواقع، هیچ چیزی چون زبان تجلی‌گاه هویت نیست. زبان، نمایانگر اندیشه است؛ وقتی که اندیشه شکل می‌گیرد و به‌واسطه واژه‌ها به ظهور می‌رسد، آن را در کلام تجربه می‌کنیم. اگر بخواهیم از دید فلسفی به زبان نگاه کنیم، می‌بینیم که زبان چیزی جز «اندیشه به ظهور رسیده» نیست.

حال اگر زبانی قوی، ماندگار و اصیل نداشته باشیم، آیا می‌توانیم اندیشه‌های عمیق و ماندگاری به ظهور برسیم؟ طبیعی است که پاسخ منفی است. نکته دیگری که قابل تأمل است، پیوند میان ملیت و زبان است. تصور این‌که ملیتی بدون زبان مشترک دوام داشته باشد، اشتباهی محض است. گاهی مثال‌هایی نارسا ارائه می‌دهند، مثلاً کشورهایی چون سوئیس را مطرح می‌کنند که زبان‌های مختلفی دارند و ملیت هم دارند اما آیا واقعاً ایران را می‌توان با سوئیس مقایسه کرد؟ سوئیس کشوری است که از باقیمانده جنگ جهانی اول و دوم شکل گرفت و مناطقی با زبان‌های متفاوت مثل آلمانی، فرانسوی و انگلیسی را به هم پیوند دادند تا کشوری واحد بسازند. برای حفظ این وحدت و تحمیلی، تصمیم گرفتند که هر منطقه زبان خود را حفظ کند اما ایران داستانی کاملاً متفاوت دارد. ایران با تاریخی کهن و زبانی با قدمتی بالای ۳۰۰۰ سال، از منظر سیاسی، فرهنگی و انسانی به‌عنوان هویتی یگانه شناخته می‌شود. پیوند ملی ما چیست؟ پیوندی که امروز ما را به تاریخ مشترک مان متصل می‌کند و ما را به‌عنوان یک ملت معرفی می‌نماید چیست؟ آیا چیزی جز زبان فارسی با توانمندی‌ها و ظرفیت‌های بی‌بدیل آن وجود دارد که بتواند چنین پیوند عمیقی ایجاد کند؟ قطعاً نه. زبان فارسی، ستون استوار هویت فرهنگی ما و حلقه اتصال بین گذشته و حال است. امروز با تأکید بر اهمیت «زبان‌های مادری» و همزمان با روز جهانی زبان مادری، می‌خواهند همان

برش



در قانون اساسی چیزی به نام زبان مادری نداریم!

محمدزاده: اصل ۱۵ قانون اساسی ایران متأسفانه گاهی به «آزادی تدریس به زبان مادری» تحریف شده است. چنین مطلبی در این اصل وجود ندارد. در قانون اساسی چیزی به نام زبان مادری و از آن بدتر تدریس به زبان مادری نیست. قانون اساسی تصریح می‌کند که زبان